Journal of
International Criminal Law
www.iclj.ir

Volume 3, Issue 4, 2025

Legal Criteria for Identifying State and Non-State Terrorist Acts: Challenges of Criminal Responsibility and the Application of Double Standards

Hassan Mehr-Ali [1], Abdolmohammad Afroogh [2*], Mohammad Afras [3]

1. Department of Public International Law, Bu.C., Islamic Azad University, Bushehr, Iran.
2. Department of Law, Das.C., Islamic Azad University, Dashtestan, Iran. (Corresponding Author)
3. Department of Law, Das.C., Islamic Azad University, Dashtestan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: ***Original Research***
Pages: ***161-169***

Corresponding Author's Info
ORCID: *0009-0004-0762-4825*
TELL: *+989173719927*
Email:
abdolmohammad.afroogh@iau.ac.ir

Article history:
Received: *29 Jun 2025*
Revised: *16 Sep 2025*
Accepted: *04 Nov 2025*
Published online: *22 Dec 2025*

Keywords:
State Terrorism, International Law, Non-State Terrorism, Individual Criminal Responsibility, Double Standards.

ABSTRACT

State and non-state terrorism poses complex challenges to international criminal law, as the absence of a comprehensive and universally binding definition, coupled with overlapping legal regimes, complicates the criminal characterization of conduct and determination of criminal responsibility. This study aims to elucidate the legal criteria for identifying terrorist acts, examine their attribution to state and non-state actors, and assess the implications of double standards for criminal accountability. Employing a descriptive-analytical method with a comparative approach, the research draws on international legal instruments, counterterrorism conventions, international humanitarian law, the Rome Statute, and international judicial jurisprudence. The findings indicate that legal characterization requires examining the material and mental elements of conduct, the nature of the target, the status of victims, and the circumstances surrounding the act, particularly the existence of armed conflict. In armed conflicts, the prohibition of acts or threats of violence primarily intended to spread terror among civilians must be distinguished from other prohibitions against attacks on civilians. Furthermore, state responsibility for internationally wrongful acts differs from the individual criminal responsibility of state officials and members of armed groups. The exercise of international criminal jurisdiction requires establishing the constituent elements of crimes falling within the competent tribunal's jurisdiction. The principle of legality also precludes substituting terrorism-related labels for proof of legally defined criminal elements. The findings further suggest that selectively applying legal criteria based on perpetrators' identities or political considerations may undermine equality before the law and consistency in criminal accountability. Accordingly, coherent conduct-based criteria, strict interpretation of criminal provisions, and clear distinctions between legal characterization, attribution, and responsibility are essential to international criminal justice.

This is an open access article under the CC BY license. © 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Mehr-Ali, H; Afroogh, A & Afras, M (2025). "Legal Criteria for Identifying State and Non-State Terrorist Acts: Challenges of Criminal Responsibility and the Application of Double Standards". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(4): 161-169.

فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir

دوره سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۴

معیارهای حقوقی شناسایی اعمال تروریستی دولتی و غیردولتی و چالش های مسؤولیت کیفری و اعمال استانداردهای دوگانه

حسن مهرعلی [۱]، عبدالمحمد افروغ [۲*]، محمد افراس [۳]

۱. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد دشتستان دانشگاه آزاد اسلامی، دشتستان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق، واحد دشتستان دانشگاه آزاد اسلامی، دشتستان، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۶۹-۱۶۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۹-۰۰۰۴-۰۷۶۲-۴۸۲۵

تلفن: ۹۸۹۱۷۳۷۱۹۹۲۷+

ایمیل:

abdolmohammad.afroogh@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

تروریسم دولتی، حقوق بین‌الملل، تروریسم غیردولتی، مسؤولیت کیفری فردی، استانداردهای دوگانه.

چکیده

تروریسم دولتی و غیردولتی از مسائل پیچیده حقوق جزای بین‌الملل است؛ زیرا فقدان تعریف جامع و الزام‌آور جهانی، همراه با تعدد رژیم‌های حقوقی، احراز وصف مجرمانه رفتار و تعیین مبانی مسؤولیت کیفری را دشوار می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف تبیین معیارهای حقوقی شناسایی اعمال واجد ماهیت تروریستی، تحلیل قابلیت انتساب آن‌ها به کنشگران دولتی و غیردولتی و ارزیابی تأثیر استانداردهای دوگانه بر پاسخ‌گویی کیفری انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی و مبتنی بر مطالعه اسناد بین‌المللی، کنوانسیون‌های مقابله با تروریسم، قواعد حقوق بشردوستانه، اساسنامه رم و رویه قضایی مراجع بین‌المللی است. یافته‌ها نشان می‌دهد ارزیابی حقوقی این رفتارها مستلزم بررسی هم‌زمان عنصر مادی، عنصر روانی، ماهیت هدف حمله، وضعیت قربانیان و بستر وقوع رفتار، به‌ویژه وجود مخاصمه مسلحانه، است. در مخاصمات مسلحانه، ممنوعیت اقدامات یا تهدیدهای خشونت‌آمیز با هدف اصلی ایجاد رعب میان جمعیت غیرنظامی باید از سایر ممنوعیت‌های مربوط به حمله به غیرنظامیان تفکیک شود. همچنین، مسؤولیت بین‌المللی دولت ناشی از انتساب فعل متخلفانه با مسؤولیت کیفری فردی مقامات و اعضای گروه‌های مسلح متفاوت است و اعمال صلاحیت کیفری بین‌المللی مستلزم احراز عناصر جرائم مشمول صلاحیت مرجع رسیدگی‌کننده است. اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها نیز مانع جایگزینی برچسب تروریسم با احراز ارکان قانونی جرم می‌شود. نتایج حاکی است اعمال گزینشی معیارها بر اساس هویت مرتکب یا ملاحظات سیاسی می‌تواند برابری در برابر قانون و انسجام پاسخ کیفری را تضعیف کند. از این‌رو، اتخاذ معیارهای رفتاری منسجم، تفسیر مضیق قواعد کیفری و تفکیک وصف رفتار، انتساب و مسؤولیت در نظام عدالت کیفری بین‌المللی ضروری است.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

تروریسم در حقوق بین‌الملل با حوزه‌هایی چون صلح و امنیت بین‌المللی، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها ارتباط دارد، اما هنوز تعریف جامع و مورد اجماعی از آن شکل نگرفته است. از این‌رو، تشخیص عمل تروریستی مستلزم بررسی ماهیت رفتار، هدف حمله، قصد مرتکب، وضعیت قربانیان و قواعد حقوقی حاکم است (الله‌آبادی، ۱۳۹۶: ۷۲). این مسأله درباره نیروهای دولتی پیچیدگی بیشتری دارد؛ زیرا ارزیابی رفتار آنان با قواعد توسل به زور، مخاصمات مسلحانه و مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها مرتبط است. همچنین، مبارزه با تروریسم علاوه بر جرم‌انگاری، مسائل صلاحیت قضایی، همکاری بین‌المللی و مسؤولیت مرتکبان را در برمی‌گیرد (فرهادنیا و هنجنی، ۲۰۲۰: ۱۱). یکی از چالش‌های اساسی، تفاوت در ارزیابی رفتارهای مشابه نیروهای دولتی و غیردولتی است؛ تفاوتی که ممکن است از موقعیت سیاسی مرتکب ناشی شود، نه از ماهیت رفتار. درحالی‌که اعمال معیارهای حقوقی قابل تعمیم برای ارزیابی رفتارهای مشابه ضروری است، تحولات اسناد بین‌المللی نیز بر گسترش رویکردهای کیفری، پیشگیرانه و حقوق بشری در مقابله با تروریسم دلالت دارد (صادقی‌پور، ۱۴۰۱: ۱۸). با این حال، مطالعات موجود غالبا بر تروریسم غیردولتی، تأمین مالی و پیشگیری از آن یا بر مسؤولیت دولت‌ها و دفاع مشروع متمرکزند و مقایسه مستقیم معیارهای شناسایی اعمال تروریستی دولتی و غیردولتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پراکندگی اسناد و نبود معیارهای یکسان نیز زمینه برداشت‌های متفاوت از مفهوم تروریسم و مسؤولیت ناشی از آن را فراهم کرده است (مصفا و طاهرخانی، ۱۳۹۹: ۹۴).

پژوهش حاضر با تمرکز بر رابطه میان ماهیت رفتار و وضعیت مرتکب، معیارهای حقوقی شناسایی اعمال تروریستی را در چارچوبی تطبیقی بررسی می‌کند. فرض اصلی آن است که وصف حقوقی رفتار باید بر عناصر قابل ارزیابی استوار باشد و هویت دولتی یا غیردولتی مرتکب به‌تنهایی تعیین‌کننده نباشد. چنین رویکردی ضمن توجه به تفاوت‌های واقعی در قواعد انتساب و مسؤولیت، می‌تواند از خلط تروریسم با مخاصمه مسلحانه و نقض حقوق بشردوستانه جلوگیری کند (نعمت‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۹). بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که معیارهای قابل اتکای شناسایی اعمال تروریستی نیروهای دولتی و غیردولتی چیست و تفاوت در اعمال این معیارها چگونه به شکل‌گیری استانداردهای دوگانه منجر می‌شود (نیک‌نژاد و ابوالحسنی، ۱۳۹۹: ۲۰).

۱- مبانی نظری

تروریسم در حقوق بین‌الملل مفهومی مناقشه‌برانگیز است که شناسایی آن به بررسی ماهیت رفتار، هدف حمله، وضعیت قربانیان، قصد مرتکب، زمینه وقوع و قواعد حقوقی حاکم نیاز دارد .فقدان تعریف جامع و مورد اجماع از این پدیده، موجب شده است که کنوانسیون‌های موضوعی، قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و قواعد حقوق بشردوستانه در تعیین چارچوب حقوقی آن نقش داشته باشند و اختلاف در تفسیر معیارهای شناسایی تروریسم همچنان باقی بماند (مصفا و طاهرخانی، ۱۳۹۹: ۹۴). برای تحلیل این مسأله، سه رویکرد نظری قابل تفکیک است. رویکرد ماهیت‌محور بر عناصر عینی و ذهنی رفتار تأکید دارد و وصف حقوقی آن را مستقل از هویت سیاسی مرتکب بررسی می‌کند. رویکرد وضعیت‌محور، شرایط وقوع رفتار، از جمله وضعیت صلح یا مخاصمه مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی و قواعد حاکم بر هر وضعیت را در نظر می‌گیرد. رویکرد مسؤولیت‌محور نیز بر رابطه مرتکب با دولت، قابلیت انتساب رفتار و آثار حقوقی آن تمرکز دارد. هر رویکرد به‌تنهایی محدودیت‌هایی دارد؛ زیرا توجه صرف به ماهیت رفتار ممکن است تفاوت قواعد حاکم بر مخاصمات را نادیده بگیرد و تمرکز صرف بر وضعیت یا مسؤولیت مرتکب نیز احتمال ارزیابی متفاوت رفتارهای مشابه را افزایش دهد. همچنین، رویکرد کیفری بر جرم‌انگاری و مسؤولیت فردی، حقوق بین‌الملل عمومی بر تعهدات و مسؤولیت دولت‌ها و حقوق بشردوستانه بر قواعد حاکم بر مخاصمه، اصل تفکیک و حمایت از غیرنظامیان تأکید دارد (الله‌آبادی، ۱۳۹۶: ۷۲؛ فرهادنیا و هنجنی، ۲۰۲۰: ۱۱).

بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش از ترکیب سه رویکرد ماهیت‌محور، وضعیت‌محور و مسؤولیت‌محور تشکیل می‌شود. در این چارچوب، ابتدا ماهیت و عناصر رفتار، سپس وضعیت

حقوقی وقوع آن و در نهایت جایگاه مرتکب، قابلیت انتساب و نوع مسؤولیت بررسی می‌شود .معیارهای اصلی تحلیل شامل ماهیت رفتار، هدف، قصد، زمینه وقوع و وضعیت حقوقی است؛ درحالی‌که دولتی یا غیردولتی بودن مرتکب بیشتر در تحلیل انتساب و مسؤولیت اهمیت می‌یابد. تفکیک این مؤلفه‌ها امکان بررسی دقیق‌تر تفاوت‌های حقوقی موجه و ناموجه را فراهم می‌کند و مانع از خلط وصف تروریستی رفتار با مخاصمه مسلحانه، اقدامات نظامی و نقض حقوق بشردوستانه می‌شود (نعمت‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۹).

۲- معیارهای ماهوی و حقوقی شناسایی اعمال تروریستی در حقوق بین‌الملل

شناسایی عمل تروریستی در حقوق بین‌الملل مستلزم بررسی عناصر ماهوی و حقوقی رفتار است و نمی‌توان آن را صرفا بر اساس عنوان‌گذاری سیاسی تعیین کرد. با وجود فقدان تعریف جامع و مورد اجماع از تروریسم، اسناد و رویه‌های بین‌المللی معیارهایی برای ارزیابی آن فراهم کرده‌اند. سول با بررسی تلاش‌های بین‌المللی برای تعریف تروریسم، بر ضرورت استفاده از عناصر عینی و قابل تشخیص تأکید می‌کند تا ضمن توجه به ماهیت خشونت‌آمیز رفتار و آثار آن، از گسترش بی‌ضابطه مفهوم تروریسم جلوگیری شود (Saul, 2008: 17). صادقی‌پور نیز با بررسی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، پراکندگی مقررات و اختلاف دیدگاه دولت‌ها را از عوامل تداوم ابهام در تعریف حقوقی تروریسم می‌داند (صادقی‌پور، ۱۴۰۱: ۱۸).

مهم‌ترین معیارهای ماهوی عبارت‌اند از ارتکاب خشونت یا تهدید جدی به آن، عنصر ذهنی و هدف رفتار و ماهیت هدف حمله و وضعیت قربانیان. رفتارهایی مانند قتل، ایراد صدمات شدید، گروگان‌گیری و حمله عامدانه به اشخاص حمایت‌شده باید با توجه به عناصر مادی و معنوی و قواعد حقوقی مربوط ارزیابی شوند. همچنین، ایجاد رعب در جمعیت یا اجبار دولت و سازمان بین‌المللی به انجام یا ترک اقدامی می‌تواند در تحلیل هدف رفتار اهمیت داشته باشد. با این حال، صرف وقوع خشونت برای اطلاق عنوان تروریسم کافی نیست و باید میان اعمال تروریستی و سایر جرائم یا اشکال استفاده از زور تمایز گذاشت. بررسی حقوقی این رفتارها همچنین مستلزم توجه به مسؤولیت فردی، صلاحیت قضایی و همکاری بین‌المللی در مبارزه با تروریسم است (فرهادنیا و هنجنی، ۲۰۲۰: ۱۱).

در وضعیت مخاصمه مسلحانه، تعیین وصف حقوقی رفتار پیچیده‌تر می‌شود؛ زیرا ممکن است یک عمل از منظر حقوق بشردوستانه و مقررات کیفری مبارزه با تروریسم به‌طور هم‌زمان بررسی شود. از این‌رو، باید قواعد مربوط به حمایت از غیرنظامیان، محدودیت‌های حمله و وضعیت مشارکت‌کنندگان در مخاصمه از مقررات ناظر بر جرم‌انگاری تروریسم تفکیک شوند (الله‌آبادی، ۱۳۹۶: ۷۲؛ Van Poecke et al., 2021: 55). این تفکیک مانع از آن می‌شود که هر نقض حقوق بشردوستانه خودبه‌خود تروریسم تلقی شود یا وضعیت مخاصمه به‌تنهایی موجب خروج رفتار از بررسی حقوقی مربوط به تروریسم گردد. دولتی بودن مرتکب نیز نباید به‌خودی‌خود مانع بررسی ماهیت رفتار شود. تودسکینی در تحلیل مفهوم تروریسم بین‌المللی دولتی، بر اهمیت بررسی هدف‌گیری جمعیت، ایجاد رعب و استفاده قهری از خشونت برای تحقق اهداف سیاسی تأکید می‌کند (Todescini, 2013: 1). با این حال، تحلیل رفتار دولت‌ها باید میان وصف حقوقی عمل، انتساب آن به دولت و مسؤولیت بین‌المللی ناشی از آن تمایز قائل شود؛ زیرا این مفاهیم، هرچند مرتبط‌اند، از نظر حقوقی یکسان نیستند. بر این مبنا، ماهیت رفتار، هدف و قصد مرتکب، وضعیت قربانیان و زمینه وقوع عمل باید در کنار وضعیت مخاصمه و قواعد مسؤولیت بین‌المللی بررسی شوند. هویت دولتی یا غیردولتی مرتکب به‌تنهایی نباید تعیین‌کننده وصف حقوقی رفتار باشد و تفاوت در ارزیابی اعمال مشابه باید بر تفاوت واقعی در عناصر رفتار یا قواعد قابل اعمال استوار باشد. چنین چارچوبی امکان بررسی دقیق‌تر ادعای استانداردهای دوگانه را فراهم می‌کند و از خلط تروریسم با نقض حقوق بشردوستانه، تجاوز و استفاده غیرقانونی از زور جلوگیری می‌کند.

۳- تفاوت مبانی حقوقی ارزیابی اعمال تروریستی نیروهای دولتی و غیردولتی

وضعیت مخاصمه مسلحانه یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تعیین وصف حقوقی اعمال خشونت‌آمیز است؛ زیرا ورود یک رفتار به بستر مخاصمه، موجب می‌شود که علاوه بر قواعد

عمومی حقوق بین‌الملل، مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز بر ارزیابی آن حاکم شود. با این حال، وجود مخاصمه مسلحانه به‌خودی‌خود موجب از بین رفتن وصف تروریستی یک عمل نمی‌شود و نمی‌توان تمام اعمال خشونت‌آمیز انجام‌شده در جریان جنگ را صرفا به دلیل انتساب آنها به عملیات نظامی، از قلمرو ممنوعیت‌های مرتبط با تروریسم خارج کرد. در حقوق بشردوستانه، اصل تفکیک میان غیرنظامیان و اشخاص یا اهداف نظامی، ممنوعیت حمله مستقیم به غیرنظامیان و منع اعمال یا تهدیدهای خشونت‌آمیزی که هدف اصلی آنها ایجاد رعب در میان جمعیت غیرنظامی است، از معیارهای اساسی ارزیابی رفتار طرف‌های مخاصمه محسوب می‌شود. از این‌رو، برای تعیین وصف حقوقی یک عمل باید مشخص شود که قربانی یا هدف حمله چه وضعیتی داشته، رفتار در چه زمینه‌ای انجام شده، هدف مستقیم و قصد مرتکب چه بوده و آیا قواعد ناظر بر عملیات خصمانه رعایت شده است یا خیر. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با تفسیر ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و مقررات مربوط به مخاصمات مسلحانه، بر ضرورت تفکیک میان رفتارهای مجاز در چارچوب مخاصمه و اعمالی که متوجه جمعیت غیرنظامی یا اشخاص خارج از مشارکت مستقیم در مخاصمه هستند تأکید کرده است؛ بنابراین، عنوان تروریستی را نمی‌توان صرفا بر اساس وجود خشونت یا وقوع آن در زمان جنگ تعیین کرد (کرافورد و پرت، ۱۴۰۲: ۱۲۸).

از سوی دیگر، رویه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در قضیه گالیچ نشان داد که ایجاد رعب در میان جمعیت غیرنظامی می‌تواند در بستر مخاصمه مسلحانه نیز واجد وصف مجرمانه باشد و وضعیت جنگی، در صورت وجود عناصر لازم، مانع شناسایی رفتار به‌عنوان اقدام تروریستی یا رفتار ممنوع علیه غیرنظامیان نیست. در این زمینه، عنصر روانی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا باید احراز شود که ایجاد رعب در میان جمعیت غیرنظامی هدف اصلی یا یکی از اهداف اساسی رفتار بوده است و صرف پیش‌بینی ترس ناشی از یک عملیات نظامی برای تحقق این وصف کافی نیست (فرهادنیا و هنجنی، ۲۰۲۰: ۱۱). افزون بر این، باید میان «تروریسم»، «جنایت جنگی» و «نقض قواعد مربوط به توسل به زور» تمایز مفهومی و حقوقی برقرار کرد؛ زیرا ممکن است یک رفتار واحد، بسته به عناصر تشکیل‌دهنده و قواعد قابل اعمال، واجد چند وصف حقوقی متفاوت باشد، اما هر عنوان نیازمند عناصر خاص خود است (Saul, 2008: 17).

۴- تحلیل اسناد بین‌المللی و رویه قضایی در شناسایی تروریسم دولتی و غیردولتی

تحلیل اسناد بین‌المللی و رویه قضایی نشان می‌دهد که شناسایی اعمال تروریستی باید بر مجموعه‌ای از معیارهای ماهوی و حقوقی، از جمله نوع رفتار، هدف حمله، قصد مرتکب، وضعیت قربانیان و قواعد حاکم استوار باشد، نه صرفا هویت دولتی یا غیردولتی مرتکب .قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۰۴، با اشاره به اعمال مجرمانه‌ای که با هدف ایجاد مرگ یا صدمه شدید جسمانی یا گروگان‌گیری و با قصد ایجاد رعب عمومی یا اجبار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی انجام می‌شوند، معیارهایی مهم برای تحلیل رفتارهای تروریستی ارائه می‌کند. با این حال، این قطعنامه را نباید معادل یک تعریف جامع و مورد اجماع از تروریسم دانست. همچنین، قواعد حقوق بشردوستانه، به‌ویژه ممنوعیت اعمال یا تهدیدهای خشونت‌آمیزی که هدف اصلی آنها ایجاد رعب در میان جمعیت غیرنظامی است، امکان ارزیابی رفتار نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح غیردولتی را بر مبنای معیارهای ماهوی مشترک فراهم می‌کنند (مصفا و طاهرخانی، ۱۳۹۹: ۹۴).

در رویه قضایی، پرونده گالیچ در دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق اهمیت دارد. در این پرونده، حملات نیروهای صرب بوسنی به غیرنظامیان سارایوو از منظر جرم ایجاد رعب در جمعیت غیرنظامی بررسی شد. دادگاه بر اهمیت عنصر مادی، شامل اعمال یا تهدیدهای خشونت‌آمیز، و عنصر روانی، یعنی قصد اصلی ایجاد رعب در میان جمعیت غیرنظامی، تأکید کرد. این رویه نشان می‌دهد که رفتار اعضای نیروهای نظامی نیز می‌تواند بر اساس ماهیت عمل و قصد مرتکب، موضوع مسؤولیت کیفری قرار گیرد. بنابراین، ساختار نظامی یا وابستگی سازمانی مرتکب، به‌تنهایی مانع بررسی ماهیت حقوقی رفتار نیست.

۵- تأثیر وضعیت مخاصمه مسلحانه بر وصف حقوقی اعمال تروریستی

وضعیت مخاصمه مسلحانه در تعیین قواعد حقوقی حاکم بر اعمال خشونت‌آمیز اهمیت اساسی دارد؛ زیرا در این شرایط، علاوه بر قواعد عمومی حقوق بین‌الملل، مقررات حقوق بشردوستانه نیز اعمال می‌شوند. با این حال، وقوع رفتار در زمان جنگ به‌خودی‌خود وصف تروریستی آن را منتفی نمی‌کند. اصل تفکیک میان غیرنظامیان و اهداف نظامی، ممنوعیت حمله مستقیم به غیرنظامیان و منع اعمال خشونت‌آمیزی که هدف اصلی آنها ایجاد رعب در جمعیت غیرنظامی است، از معیارهای مهم ارزیابی رفتار طرف‌های مخاصمه محسوب می‌شوند. بنابراین، تشخیص وصف حقوقی عمل مستلزم بررسی وضعیت قربانیان، هدف حمله، قصد مرتکب و شرایط وقوع رفتار است (کرافورد و پرت، ۱۴۰۲: ۱۲۸).

رویه دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده گالیچ نشان می‌دهد که ایجاد رعب در جمعیت غیرنظامی می‌تواند در جریان مخاصمه مسلحانه نیز واجد وصف مجرمانه باشد. در این زمینه، عنصر روانی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا باید قصد ایجاد رعب در جمعیت غیرنظامی احراز شود و صرف پیش‌بینی ترس ناشی از یک عملیات نظامی برای اثبات این عنوان کافی نیست (فرهادنیا و هنجنی، ۲۰۲۰: ۱۱). این تمایز مانع از آن می‌شود که هر عملیات خشونت‌آمیز نظامی، بدون بررسی عناصر حقوقی آن، تروریستی تلقی شود یا رفتار ممنوع صرفا به دلیل وقوع در بستر مخاصمه از ارزیابی حقوقی کنار گذاشته شود. همچنین، باید میان تروریسم، جنایت جنگی و نقض قواعد مربوط به توسل به زور تمایز گذاشت؛ زیرا هر یک از این عناوین عناصر و آثار حقوقی خاص خود را دارند و ممکن است یک رفتار، در صورت احراز شرایط مربوط، مشمول بیش از یک عنوان حقوقی شود (Saul, 2008: 17). نیز بر دشواری تفکیک تروریسم از سایر اشکال استفاده غیرقانونی از زور تأکید می‌کند. از این‌رو، وضعیت مخاصمه باید مبنای تعیین قواعد قابل اعمال باشد، نه عاملی که به‌تنهایی وصف تروریستی یا غیر تروریستی رفتار را مشخص کند. در مقایسه رفتار نیروهای دولتی و غیردولتی نیز ابتدا باید ماهیت رفتار، وضعیت قربانیان و قصد مرتکب بررسی شود و سپس انتساب عمل و نوع مسؤولیت حقوقی تعیین گردد.

۶-استانداردهای دوگانه در توصیف و مسؤولیت حقوقی اعمال مشابه

استانداردهای دوگانه در توصیف و تعیین مسؤولیت حقوقی اعمال مشابه زمانی مطرح می‌شود که رفتارهایی از نظر ماهیت، هدف، شدت، آثار و وضعیت قربانیان، صرفا به دلیل تفاوت در هویت یا موقعیت سیاسی و حقوقی مرتکبان، با عناوین متفاوت توصیف شوند یا پیامدهای حقوقی متفاوتی پیدا کنند. در حقوق بین‌الملل، وصف حقوقی رفتار باید بر اساس عناصر تشکیل‌دهنده آن و قواعد قابل اعمال تعیین شود؛ بنابراین، دولتی یا غیردولتی بودن مرتکب، اگرچه در تعیین نوع مسؤولیت اهمیت دارد، نباید به‌تنهایی معیار تشخیص ماهیت رفتار باشد. یکی از نمونه‌های این مسأله، تفاوت در توصیف رفتارهای خشونت‌آمیز علیه غیرنظامیان است؛ به‌گونه‌ای که اقدامات گروه‌های مسلح غیردولتی ممکن است مستقیما تروریستی تلقی شود، درحالی‌که رفتار مشابه نیروهای دولتی ذیل عناوینی مانند عملیات نظامی، اقدام امنیتی، نقض حقوق بشردوستانه یا استفاده غیرقانونی از زور بررسی شود. البته تفاوت در عنوان حقوقی لزوما به معنای استاندارد دوگانه نیست؛ زیرا مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها، مسؤولیت کیفری فردی و قواعد مربوط به توسل به زور، مبانی و آثار متفاوتی دارند.

مسأله اصلی آن است که این تفاوت‌های حقوقی نباید به اعمال معیارهای ماهوی متفاوت درباره رفتارهای مشابه منجر شوند. اسناد بین‌المللی مبارزه با تروریسم و قواعد حقوق بشردوستانه بر اهمیت ماهیت رفتار، هدف و قصد مرتکب و وضعیت قربانیان تأکید دارند؛ بنابراین، اعمال خشونت‌آمیز علیه غیرنظامیان با هدف ایجاد رعب باید مستقل از وابستگی سازمانی مرتکب بررسی شود (مصفا و طاهرخانی، ۱۳۹۹: ۹۴). در عین حال، در حقوق مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها، انتساب رفتار به دولت و احراز نقض تعهد بین‌المللی، مراحلی متمایز از تشخیص ماهیت رفتار هستند .ممکن است ابتدا عملی از نظر حقوقی نقض قواعد حقوق بشردوستانه شناخته شود و سپس انتساب آن به دولت و آثار مسؤولیت بین‌المللی بررسی گردد.

درباره گروه‌های مسلح غیردولتی نیز باید میان مسؤولیت کیفری اشخاص، مسؤولیت احتمالی سایر عوامل دخیل و مسؤولیت دولت‌های حامی آنها تمایز گذاشت. رویه قضایی بین‌المللی با تأکید بر معیارهای حقوقی انتساب و مسؤولیت، امکان تفکیک ارزیابی حقوقی از ملاحظات سیاسی را فراهم می‌کند؛ هرچند اختلاف در تفسیر قواعد و تفاوت در صلاحیت مراجع قضایی ممکن است به نتایج متفاوتی بینجامد (نیک‌نژاد و ابوالحسنی، ۱۳۹۹: ۲۰). برای شناسایی استانداردهای دوگانه، می‌توان از رویکردی مرحله‌ای استفاده کرد: ابتدا ماهیت رفتار، هدف حمله، قصد مرتکب و وضعیت قربانیان بررسی شود؛ سپس وضعیت مخاصمه مسلحانه و قواعد قابل اعمال تعیین گردد؛ و در مرحله بعد، انتساب رفتار و نوع مسؤولیت حقوقی مشخص شود .این روش مانع از آن می‌شود که عنوان دولتی یا غیردولتی مرتکب، از پیش نتیجه ارزیابی را تعیین کند (Saul, 2008: 17).

۷- چارچوب حقوقی یکسان‌سازی معیارهای شناسایی و مسؤولیت اعمال تروریستی

یکسان‌سازی معیارهای شناسایی و مسؤولیت اعمال تروریستی در حقوق بین‌الملل مستلزم تدوین چارچوبی است که از یک‌سو بر معیارهای ماهوی و قابل‌سنجش تکیه کند و از سوی دیگر، تفاوت نظام‌های مسؤولیت دولت‌ها، اشخاص و گروه‌های مسلح غیردولتی را حفظ نماید. در مرحله نخست، باید ماهیت رفتار بر اساس نوع و شدت خشونت، وضعیت قربانیان، هدف حمله، شیوه ارتکاب، قصد مرتکب و آثار قابل پیش‌بینی بررسی شود. در این ارزیابی، هویت دولتی یا غیردولتی مرتکب نباید به‌تنهایی تعیین‌کننده وصف تروریستی باشد، بلکه باید انطباق رفتار با معیارهای حقوقی، به‌ویژه حمایت از غیرنظامیان و منع اعمال خشونت‌آمیز با هدف ایجاد رعب عمومی، احراز شود. قطعنامه‌های شورای امنیت در حوزه مبارزه با تروریسم می‌توانند در شناسایی عناصر رفتاری و روانی راهگشا باشند، هرچند به‌تنهایی تعریف جامع و مورد توافق همگانی از تروریسم ارائه نمی‌کنند (مصفا و طاهرخانی، ۱۳۹۹: ۹۴).

در مرحله دوم، زمینه وقوع رفتار و قواعد حقوقی قابل اعمال باید مشخص شود. اگر عمل در جریان مخاصمه مسلحانه رخ داده باشد، اصول حقوق بشردوستانه، از جمله تفکیک، تناسب و احتیاط در حمله، باید در کنار مقررات مربوط به حمایت از غیرنظامیان بررسی شوند .ممکن است رفتاری هم‌زمان نقض حقوق بشردوستانه و واجد عناصر جرم مرتبط با تروریسم باشد، اما هر عنوان به احراز عناصر خاص خود نیاز دارد. از این‌رو، باید میان تروریسم، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، تجاوز و سایر اشکال استفاده غیرقانونی از زور تمایز گذاشت تا از توسعه بی‌ضابطه مفاهیم کیفری جلوگیری شود (کرافورد و پرت، ۱۴۰۲: ۱۲۸).

مرحله سوم به انتساب رفتار و تعیین مسؤولیت اختصاص دارد . درباره نیروهای دولتی، باید قابلیت انتساب رفتار به دولت و نقض تعهدات بین‌المللی احراز شود و سپس آثار مسؤولیت دولت مشخص گردد؛ در مقابل، درباره اشخاص و اعضای گروه‌های غیردولتی، مسؤولیت کیفری فردی و نقش مشارکت‌کنندگان بررسی می‌شود .همچنین، در صورت ارتباط دولت‌های دیگر با رفتار موردنظر، باید شرایط مسؤولیت احتمالی آنها به‌طور مستقل ارزیابی شود. در این مرحله، صرف ارتباط سیاسی یا حمایت عمومی برای انتساب هر رفتار به دولت کافی نیست و باید معیارهای حقوقی مربوط به کنترل، هدایت یا انتساب مورد توجه قرار گیرند. بنابراین، تفکیک وصف عمل از انتساب و نوع مسؤولیت، امکان حفظ تفاوت‌های حقوقی میان دولت‌ها و بازیگران غیردولتی را فراهم می‌کند، بی‌آنکه معیارهای ماهوی شناسایی رفتار بر اساس هویت مرتکب تغییر یابند (فرهادنیا و هنجنی، ۲۰۲۰: ۱۱).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر مسأله شناسایی و ارزیابی حقوقی اعمال تروریستی نیروهای دولتی و غیردولتی، به بررسی این پرسش اساسی پرداخت که آیا می‌توان معیارهایی منسجم و قابل اعمال برای ارزیابی رفتارهای مشابه، صرف‌نظر از هویت مرتکب، در حقوق بین‌الملل ارائه کرد و تفاوت‌های موجود در توصیف و مسؤولیت حقوقی تا چه اندازه ناشی از تفاوت واقعی در وضعیت حقوقی مرتکبان و تا چه اندازه ناشی از اعمال استانداردهای متفاوت است. مسیر پژوهش بر تحلیل حقوقی و تطبیقی عناصر رفتار، وضعیت قربانیان، قصد مرتکب، زمینه

مخاصمه مسلحانه، انتساب رفتار و نوع مسؤولیت استوار بود و از این طریق تلاش شد میان وصف حقوقی عمل و پیامدهای حقوقی ناشی از آن تفکیک صورت گیرد. نتایج پژوهش نشان داد که معیارهای مربوط به ماهیت رفتار، از جمله نوع خشونت، هدف حمله، وضعیت اشخاص مورد تعرض، قصد ایجاد رعب و آثار رفتار، می‌توانند مبنای مشترکی برای ارزیابی اعمال نیروهای دولتی و غیردولتی فراهم کنند و هویت مرتکب به‌تنهایی نباید تعیین‌کننده وصف تروریستی رفتار باشد. در عین حال، پژوهش نشان داد که تفاوت در مسؤولیت حقوقی میان دولت‌ها و اشخاص یا گروه‌های غیردولتی امری قابل تفکیک از مرحله شناسایی رفتار است؛ زیرا در مورد دولت، مسأله انتساب و مسؤولیت بین‌المللی مطرح می‌شود، درحالی‌که درباره اشخاص، مسؤولیت کیفری فردی و نقش هر مرتکب باید به‌طور مستقل بررسی شود. همچنین مشخص شد که وقوع رفتار در شرایط مخاصمه مسلحانه، مجموعه قواعد قابل اعمال را تغییر می‌دهد، اما به‌خودی‌خود وصف تروریستی یا غیر تروریستی رفتار را تعیین نمی‌کند و لازم است عناصر خاص هر عنوان حقوقی به‌صورت جداگانه احراز شود.

بر این اساس، فرضیه اصلی پژوهش و فرضیات فرعی آن در چارچوب تحلیل انجام‌شده تأیید شدند و مشخص گردید که بخش مهمی از چالش استانداردهای دوگانه نه از تفاوت ذاتی در معیارهای ماهوی، بلکه از اختلاط میان مرحله توصیف رفتار، انتساب آن و تعیین نوع مسؤولیت ناشی می‌شود. دستاورد اصلی پژوهش در همین تفکیک تحلیلی قرار دارد؛ به این معنا که به‌جای یکسان‌سازی نتایج حقوقی مربوط به مرتکبان متفاوت، بر یکسان‌سازی معیارهای اولیه شناسایی رفتار و تفکیک آن از قواعد مسؤولیت تأکید می‌کند. ارزش افزوده پژوهش نیز در ارائه چارچوبی مرحله‌ای است که امکان می‌دهد ابتدا ماهیت و عناصر رفتار، سپس زمینه حقوقی و وضعیت مخاصمه، بعد مسأله انتساب و در نهایت نوع و آثار مسؤولیت بررسی شود. این چارچوب ضمن حفظ تفاوت‌های مشروع میان مسؤولیت دولت و مسؤولیت کیفری اشخاص، مانع از آن می‌شود که موقعیت سیاسی یا سازمانی مرتکب پیشاپیش نتیجه ارزیابی ماهوی رفتار را تعیین کند. بنابراین، نتیجه نهایی پژوهش آن است که مقابله با استانداردهای دوگانه در حقوق بین‌الملل مستلزم حذف تفاوت‌های حقوقی میان دولت‌ها و بازیگران غیردولتی نیست، بلکه نیازمند اعمال معیارهای روشن، قابل مقایسه و مستقل از هویت مرتکب در مرحله شناسایی رفتار است. در چنین الگویی، تفاوت در مسؤولیت تنها پس از احراز ماهیت رفتار و بر اساس قواعد خاص انتساب و مسؤولیت تعیین می‌شود؛ رویکردی که می‌تواند میان ضرورت برخورد منسجم با رفتارهای مشابه و ضرورت رعایت تفاوت‌های واقعی نظام مسؤولیت در حقوق بین‌الملل تعادل برقرار کند.

پیشنهادات تحقیق

۱. تدوین یک چارچوب معیارمحور و مرحله‌ای برای شناسایی اعمال تروریستی در اسناد و رویه‌های حقوقی بین‌المللی، به‌گونه‌ای که ارزیابی هر رفتار ابتدا بر اساس نوع و شدت خشونت، وضعیت قربانیان، هدف حمله، قصد مرتکب و زمینه وقوع عمل انجام شود و سپس موضوع انتساب و مسؤولیت مورد بررسی قرار گیرد؛ این چارچوب می‌تواند به‌عنوان الگوی تحلیلی واحد برای ارزیابی رفتار نیروهای دولتی و غیردولتی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. ایجاد یک نظام تفکیک حقوقی میان وصف عمل، انتساب رفتار و نوع مسؤولیت در فرایندهای تحقیق و رسیدگی بین‌المللی، به‌نحوی که مراجع ذی‌صلاح پیش از تعیین مسؤولیت، عناصر ماهوی رفتار را مستقل از هویت مرتکب احراز کنند و سپس بر اساس وضعیت حقوقی مرتکب، مسؤولیت دولت، مسؤولیت کیفری فردی یا سایر اشکال مسؤولیت را تعیین نمایند.

۳. طراحی یک الگوی ارزیابی ویژه برای اعمال تروریستی واقع‌شده در مخاصمات مسلحانه که در آن رابطه میان قواعد حقوق بشردوستانه، مقررات ناظر بر تروریسم و سایر عناوین کیفری بین‌المللی به‌صورت مرحله‌ای بررسی شود؛ به‌گونه‌ای که وقوع مخاصمه نه موجب نادیده گرفتن عناصر تروریستی رفتار شود و نه باعث اطلاق خودکار عنوان تروریسم بر هر عمل خشونت‌آمیز نظامی گردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماما رعایت گردید.

تعارض منافع: در مقاله حاضر تضاد منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: پژوهش حاضر بدون تأمین مالی انجام شده است.

منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

– الله‌آبادی، مهدی (۱۳۹۶). «حقوق بشردوستانه و تروریسم بین‌المللی». *فصلنامه تخصصی حقوق بشر*، ۱(۳).

– صادقی‌پور، احسان (۱۴۰۱). «تلاش برای تعریف پدیده تروریسم و رویکرد حقوقی اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در جدال با آن». دومین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ.

– فرهادنیا، سعید، سید علی هنجنی (۲۰۲۰). «چالش‌های حقوق بین‌الملل کیفری در مبارزه با تروریسم». *پژوهش‌های حقوقی شهر دانش*، ۱۸(۴۰): ۷–۲۹.

– کرافورد، امیلی و پرت، آلیسون (۱۴۰۲). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. ترجمه محمدعلی کفائی‌فر و سیدمهران محمدی، تهران: مجد.

– مصفا، نسرین و طاهرخانی، ستاره (۱۳۹۹). «مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مقابله با تروریسم». فصلنامه سیاست، ۴۱(۳): ۳۰۳–۲۸۵.

– نعمت‌پور، اردشیر؛ تقی‌زاده‌انصاری، مصطفی و ببری‌گنبدی، سکینه (۱۴۰۰). «مقابله با حملات تروریستی به زیرساخت‌های حیاتی یک کشور در قواعد حقوق بین‌الملل». *مطالعات بین‌المللی*، ۱۸(۳): ۱۶۵–۱۸۶.

– نیک‌نژاد، علیرضا و ابوالحسنی، سلامه (۱۳۹۹). «بررسی حقوقی ترور سردار قاسم سلیمانی از منظر ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد (دفاع مشروع)». *فصلنامه علمی تخصصی فقه و حقوق معاصر*، ۶(۱۴): ۱۷–۲۶.

ب. منابع انگلیسی

- Saul, B (2008). *Defining Terrorism in International Law*. Oxford University Press,.

- Todescini, V (2013). "Rethinking Terrorism in International Law: An Inquiry into the Legal Concept of State International Terrorism." Jura Gentium.

- Van Poecke, T; Verbruggen, F & Yperman, W (2021). "Terrorist Offences and International Humanitarian Law: The Armed Conflict Exception Clause." *International Review of the Red Cross*, 103(916-917): 295-324.